

آیا ارزش شهادت زن نصف مرد است؟

گفته می‌شود در روزگاری که حقوق بشر و تساوی مرد و زن در برابر قانون از بدیهیات پذیرفته شده اکثریت جهانیان به شمار می‌رود، طرح این مسئله که شهادت دو زن معادل شهادت یک مرد در نظام حقوقی اسلامی محسوب می‌شود، نشانه تبعیض و تعارض آشکار با حقوق بشر است.

می‌گویند اگر نیمه بودن سهم ارث زنان در روزگاری که بار اداره زندگی تماماً به دوش مرد بود، با توجه به مهریه و سایر تکالیف و تعهدات مردان، قابل توجیه بود و منطق اقتصادی است، اما موضوع شهادت دادن امری انسانی و ارزشی است، چگونه می‌توان باور کرد خداوند حکیم چنین بی‌عدالتی را در قرآن تجویز کرده باشد؟!

آنچه موجب طرح چنین سئوالات و دامن زدن به تهاجمات تبلیغاتی علیه اسلام شده است، عمدتاً عملکرد برخی فقیهان در دستگاه‌های قضائی و تصویب و به اجرا گذاشتن احکام فقهی ویژه‌ای است که بر اساس آن حقوق زنان (همچون خون‌بها = دیه) نیمه محاسبه می‌گردد!

هر چند این مقررات و احکام نظریات فقهی است و استنباط بشری (نه حکم مستقیم الهی) محسوب می‌شود، اما از آنجائی که توسط متولیان دین اجرا می‌شود، اغلب مردم آن را به حساب دین می‌گذارند و اعتراض خود را متوجه اسلام و قرآن می‌کنند. بنابراین ضرورت دارد ابتدا ببینیم چنین مسئله‌ای اصلاً پایه قرآنی دارد یا نه؟ و اگر چنین حکمی وجود دارد، در چه شرایط، برای چه منظور و چگونه قابل اجرا می‌باشد؟

حقیقت این است که استنباط برخی فقیهان، مبتنی بر آیه‌ای از قرآن مربوط به موردی خاص از مناسبات ویژه اجتماعی جامعه روزگار کهن بوده است که با وجود تغییر و تحول اساسی آن شرایط، فقیهان چنین حکمی را ثابت و ابدی پنداشته و به شهادت زن در همه مسائل دنیای امروز تعمیم داده‌اند.

اما بحث شهادت زن، در آیه ۲۸۲ سوره بقره، که در ضمن بلندترین آیه قرآن نیز محسوب می‌شود، مطرح شده است. این آیه طولانی، بیانگر چهارده حکم شرعی در معاملات غیر نقدی مدت‌دار در جامعه‌ای است که مردم سواد خواندن و نوشتن نداشتند و ناچار بودند به جای اخذ رسید و ثبت معاملات، کسانی را به عنوان شاهد و گواه انتخاب کنند. روح این آیه و هدف آن، ثبت و ضبط معاملات و پیشگیری از فراموشی طرفین یا انکار احتمالی دیون می‌باشد. اما در زمان ما که اکثریت قریب به اتفاق مردم سواد دار شده‌اند و دفاتر اسناد

رسمی دولتی تشکیل شده است، هیچ مسلمانی (شیعه یا سنی) به دنبال شاهد گرفتن در معاملات غیر نقدی نمی رود (۱) بلکه با استفاده از چک، سفته، کارت های اعتباری، حواله بانکی و حتی خرید از طریق شبکه کامپیوتری (Online) به مقصود و محتوای توصیه الهی (نه شکل آن) عمل می کند.

اما شگفتی اینجاست که چگونه با وجود تغییر و تحول شرایط اجتماعی، و منتفی شدن شکل و شیوه اجرای حکم مذکور، عده ای از فقیهان همچنان به موضوع شهادت دو زن به جای یک مرد، که یکی از آن احکام چهارده گانه است، نه تنها اصرار می ورزند، بلکه آن را تعمیم و توسعه هم می دهند!!

خوب است ابتدا نگاهی به آیه مذکور (تا قسمت مربوط به زنان) بکنیم، آنگاه به چرایی و فلسفه آن پردازیم:

"ای مؤمنین هر گاه (بر اساس معامله ای) تا سر رسید معینی به یکدیگر وام دار شدید، آن را بنویسید، و باید نویسنده ای عادلانه (معامله) را بین شما بنویسد و نویسنده به پاس اینکه خدا او را (توفیق) آموزش داده است، نباید از نوشتن خودداری کند. و بدهکار باید (شرح معامله) را دیکته کند و کاتب بنویسد و از خدای پروردگارش پروا کند و چیزی فروگذار نکند. اگر وام دار سفیه (کودک) یا ناتوان یا قادر به دیکته کردن نبود، سرپرست او عادلانه دیکته کند و دو تن از مردان (معمد) خود را بر آن گواه بگیرد، **اگر دو نفر مرد نبودند، یک مرد و دو زن از میان گواهانی که مورد رضایت و اطمینان شما باشند (انتخاب کنید) تا اگر یکی از زنان فراموش کرد، دیگری به خاطرش بیاورد ...**" بقره ۲۸۲

موضوع شهادت دو زن به جای یک مرد، بر خلاف آنچه تصور می شود، جنبه اعتباری و ارزشی ندارد، تا کم بها دادن به مقام زن از آن استنباط شود. همانطور که در آیه فوق ملاحظه می شود، موضوع فراموشی احتمالی زنان شاهد مطرح می باشد! اما خود این مسئله نیز ممکن است سؤال دیگری را بر انگیزد که به کدام دلیل علمی حافظه زنان ضعیف تر است؟

تجربیات زندگی و شواهد فراوان نشان می دهد که حافظه انسان رابطه مستقیم و غیر قابل انکاری با موضوعات مورد توجه و علاقه اش دارد. نه تنها زن و مرد در زمینه های مختلف زندگی فردی و اجتماعی علاقه ها و سلیقه های متفاوت، به تناسب کار و نقش طبیعی خود، دارند، بلکه هر یک از دو جنس نیز در میان خود دارای تفاوت های اساسی غیر قابل انکاری هستند.

آیه ۲۸۲ سوره بقره که درباره معاملات غیر نقدی مدت دار است، در روزگاری نازل شده است که زنان در کنج خانه به سر می برده و نقشی در مسائل اقتصادی و علاقه و اطلاعی به نگهداری حساب و کتاب

بدهکاری‌ها و بستانکاری‌ها نداشتند، بنابراین احتمال فراموشی آنها در امری که ذوق و زمینه تجربی در آن نداشتند، بیش از مردان بوده و مصلحت چنین اقتضا می‌کرده‌است که برای حفظ منافع جامعه، دو شاهد حضور یابند. آیا در جوامع امروزی، که زنان در محیط‌های علمی و اقتصادی راه یافته‌اند (صرفنظر از جنبه‌های منفی آمیخته شدن و تحمیل بار زندگی اقتصادی به دوش آنان)، باز هم حافظه و ذهن زنان در امور اقتصادی ضعیف‌تر است؟! آیا در ایران که حدود ۶۵ درصد ورودی دانشگاه‌ها را دختران تشکیل می‌دهند، هنوز هم شهادت دو زن معادل یک مرد است؟!

والله اعلم.

۱- بدیهی است اگر در قسمت‌های دور افتاده‌ای از دنیای امروز، مردمانی با آن شرایط یافت شوند، همچنان شکل آیه مذکور کاربرد خواهد داشت